

فصل اول : تحمیدیه و مناجات



نی نامه

پرسش‌های چهارگزینه‌ای

1. معادل «میل قلب به دیدار محبوب» در کدام مصراع دیده می‌شود؟
 - (1) جوشش عشق است کاندر می فتاد
 - (2) محرم این هوش جز بی هوش نیست
 - (3) تا بگویم شرح درد اشتیاق
 - (4) بشنو این نی چون حکایت می‌کند
2. مفهوم کدام بیت با ابیات دیگر متفاوت است؟
 - (1) سینه خواهم شرحه شرحه از فراق / تا بگویم شرح درد اشتیاق
 - (2) سرّ من از ناله‌ی من دور نیست / لیک چشم و گوش را آن نور نیست
 - (3) رنگین سخنان در سخن خویش نهان‌اند / از نکبت خود نیست به هر حال، جدا گل
 - (4) تن ز جان و جان ز تن مستور نیست / لیک کس را دید جان دستور نیست
3. مفهوم «عشق به مبدأ و سوز هجران» از کدام بیت دریافت نمی‌شود؟
 - (1) کز نیستان تا مرا بریده‌اند / از نفریم مرد و زن نالیده‌اند
 - (2) نی حدیث راه پر خون می‌کند / قصّه‌های عشق مجنون می‌کند
 - (3) من ملک بودم و فردوس برین جایم بود / آدم آورد در این دیر خراب آبادم
 - (4) سینه خواهم شرحه شرحه از فراق / تا بگویم شرح درد اشتیاق
4. کدام مفهوم از بیت «محرم این هوش جز بی هوش نیست / مر زبان را مشتری جز گوش نیست» دریافت می‌شود؟
 - (1) بی‌هوشی لازمی رسیدن به هوشیاری است.
 - (2) گوش و زبان از ابزارهای مناسب عشق هستند.
 - (3) عشق، محرم و هم‌راز آگاهان است.
 - (4) هر کسی، حقیقت عشق را در نمی‌یابد.
5. مفهوم کدام مصراع، نادرست بیان شده است؟
 - (1) هر که جز ماهی، ز آیش سیر شد: عاشق، نیازمند عشق معشوق است.
 - (2) هر که بی‌روزی است، روزش دیر شد: شخص بی بهره از عشق، ملول و خسته می‌شود.
 - (3) روزها با سوزها همراه شد: عاشق، عمری غمگین است.
 - (4) از درون من نجست اسرار من: اسرار عشق بر همگان نهان است.
6. کدام مفهوم از بیت «سرّ من از ناله‌ی من دور نیست / لیک چشم و گوش را آن نور نیست» دریافت نمی‌شود؟
 - (1) امکان ادراک راز و حقیقت ناله‌ی عارف با چشم و گوش دل
 - (2) نهفته بودن اسرار انسان آگاه در ناله‌هایش
 - (3) نیازمند نبودن به حسّی غیر از حسّ ظاهر برای شناخت اسرار انسان‌های آگاه
 - (4) ناتوانی حواسّ ظاهری انسان از درک حقیقت عارف
7. مفهوم کدام مصراع، نادرست بیان شده است؟
 - (1) تو بمان، ای آن که چون تو پاک نیست (آرزوی ماندگاری عشق الهی)
 - (2) پرده‌های پرده‌های ما درید (پرده‌ها و حجاب‌ها، امکان دیدار معشوق حقیقی را از میان می‌برند)
 - (3) محرم این هوش جز بی‌هوش نیست (تنها عاشق به حقیقت عشق آگاه است)
 - (4) جفت بدحالان و خوش‌حالان شدم (سر دادن ناله‌ی عشق به حق برای همگان)
8. مفهوم بیت مقابل در کدام بیت وجود ندارد؟ «درنیابد حال پخته هیچ خام / پس سخن کوتاه باید والسّلام»

(سراسری تجربی - 87)

- 1) تا نسوزد بر نیاید بوی عود / پخته داند کاین سخن با خام نیست
- 2) فریاد من از سوختگی‌هاست چو آتش / چون باده ز خامی نبود جوش و خروشم
- 3) دردا که ببختم در این سوز نهانی / وان را خیر از آتش ما نیست که خام است
- 4) آتش روی تو زین گونه که در خلق گرفت / عجب از سوختگی نیست که خامی عجب است

(سراسری ریاضی - 87)

9. مفهوم عبارت «کُلّ شیء یَرِجِعُ اِلَى اَصْلِهِ» در کدام بیت وجود ندارد؟

- 1) سیر جسم خشک، بر خشکی فتاد / سیر جان، پا در دل دریا نهاد
- 2) مادر فرزند، جویان وی است / اصل‌ها مر فرع‌ها را در پی است
- 3) دل تو را در کوی اهل دل کشد / تن تو را در حبس آب و گل کشد
- 4) جان، گشاده سوی گردون بال‌ها / تن، زده اندر زمین چنگال‌ها

(سراسری ریاضی - 87)

10. بیت «درنیابد حال پخته هیچ خام / پس سخن کوتاه باید والسلام» با کدام بیت ارتباط معنایی ندارد؟

- 1) سعدی سخن یار نگوید بر اغیار / هرگز نبرد سوخته‌ای قصّه به خامی
- 2) پیر میخانه چه خوش گفت به دردی کش خویش / که مگو حال دل سوخته با خامی چند
- 3) فردا به داغ دوزخ ناپخته‌ای بسوزد / کامروز آتش عشق، از وی نبرد خامی
- 4) هر که در آتش نرفت بی‌خبر از سوز ماست / سوخته داند که چیست پختن سودای خام

(سراسری فارغ از کشور - 87)

11. بیت «سینه خواهم شرحه شرحه از فراق / تا بگویم شرح درد اشتیاق» با کدام بیت تناسب معنایی ندارد؟

- 1) پای نهم در عدم بو که به دست آورم / هم‌نفسی تا کند درد دلم را دوا
- 2) حدیث عشق جانان گفتنی نیست / و گر گویی کسی هم‌درد باید
- 3) کجاست هم‌نفسی تا به شرح عرضه دهم / که دل چه می‌کشد از روزگار هجرانش
- 4) دردی نبوده را چه تفاوت کند که من / بیچاره درد می‌خورم و نعره می‌زنم

(سراسری تبریزی - 88)

12. متن زیر با کدام بیت تناسب مفهومی دارد؟

«آن‌چه در این نی آوازی پدید می‌آورد، کشش انسان آگاه به سوی عالم معنا، به سوی پروردگار، به سوی کلّ و حقیقت هستی است و در حقیقت این نی عشق را پروردگار می‌نوازد و فریاد مولانا هنگامی از نی وجودش برمی‌خیزد که جذبه‌ی حق بر او اثر می‌گذارد.»

- 1) یار از پرده هویدا شد و یاران غافل / یوسفی هست دریغا که خریداری نیست
- 2) ذره‌ی خاکم و در کوی توام جای خوش است / ترسم ای دوست که بادی ببرد ناگاهم
- 3) شبنم از روشن‌دلی آینه‌ی خورشید شد / ای کم از شبنم، تو هم آینه را پرداز ده
- 4) با بال شوق، ذره به خورشید می‌رسد / پرواز دل به سوی خدا می‌برد مرا

(سراسری ریاضی - 88)

13. مفهوم بیت «ما ز دریاییم و دریا می‌رویم / ما ز بالاییم و بالا می‌رویم» با کدام بیت تناسب ندارد؟

- 1) ماهی از دریا چو در صحرا فتد / می‌تپد تا باز در دریا فتد
- 2) به اصل باز شود فرع و هست نزد خرد / مر این حدیث مسلّم هم این مثل مضروب (زده شده)
- 3) جزو جهان است شخص مردم روزی / باز شود جزو بی‌گمان به سوی کل
- 4) سیری طلب مکن که کس اندر نشیب خاک / جز تشنه لب نیامد و جز ناشتا نشد

(سراسری زبان - 90)

14. مفهوم کدام بیت با دیگر ابیات متفاوت است؟

- 1) ای درد و غم تو راحت دل / هم مرهم و هم جراحت دل
- 2) دردم از یار است و درمان نیز هم / دل فدای او شد و جان نیز هم
- 3) هم‌چو نی زهری و تریاقی که دید / هم‌چو نی دمساز و مشتاقی که دید؟
- 4) دردی است درد عشق که هیچش طبیب نیست / گر دردمند عشق بنالد غریب نیست

(سراسری انسانی - 90)

15. مفهوم همه‌ی ابیات به‌استثنای بیت ... با یک‌دیگر تناسب دارد.

- 1) در نیابد حال پخته هیچ خام / پس سخن کوتاه باید والسلام
- 2) بسیار سفر باید تا پخته شود خامی / صوفی نشود صافی، تا درنکشد جامی
- 3) با نیم‌بختگان نتوان گفت سوز عشق / خام از عذاب سوختگان بی‌خبر بود
- 4) پیر میخانه چه خوش گفت به دُردی کش خویش / که مگو حال دل سوخته با خامی چند

(سراسری فارغ از کشور - 91)

16. مفهوم کدام بیت با دیگر ابیات متفاوت است؟

- 1) در نیابد حال پخته هیچ خام / پس سخن کوتاه باید والسلام
- 2) طبیب عشق مسیحادم است و مشفق لیک / چو درد در تو نبیند که را دوا بکند
- 3) پیش زاهد از رندی دم مزن که نتوان گفت / با طبیب نامحرم حال درد پنهانی
- 4) راز درون پرده ز رندان مست پُرس / کاین حال نیست زاهد عالی مقام را

(سراسری ریاضی - 92)

17. مفهوم کدام بیت با دیگر ابیات متفاوت است؟

- 1) دل بی‌سوز کم گیرد نصیب از صحبت مردی / مس تابیده‌ای آور که گیرد در تو اکسیرم
- 2) می ز رطل عشق خوردن کار هر بی‌ظرف نیست / وحشی‌ای باید که بر لب گیرد این پیمان را
- 3) ساقیا در قده باده چه پیمودی دوش / که حریفان همه در خواب گرانند هنوز
- 4) محرم این هوش جز بی‌هوش نیست / مر زبان را مشتری جز گوش نیست

18. عبارت: «نی عشق را پروردگار می‌نوازد و فریاد مولانا هنگامی از نی وجودش برمی‌خیزد که جذبه‌ی حق بر او اثر می‌گذارد.» با کدام بیت تناسب

(سراسری تهرمی - 93)

مفهومی دارد؟

- 1) راز سر بسته‌ی ما بین که به دستان گفتند / هر زمان با دف و نی بر سر بازار دگر
- 2) بنال ای نی که من غم دارم امشب / نه دل‌سوز و نه همدم دارم امشب
- 3) مسند به باغ بر که به خدمت چو بندگان / استاده است سرو کمر بسته است نی
- 4) صائب، زند آتش به جهان از نفس گرم / هر نی که به آن لعل شکر بار رسیده

(سراسری انسانی - 93)

19. مفهوم کدام بیت با سایر ابیات تفاوت دارد؟

- 1) در نیابد حال پخته هیچ خام / پس سخن کوتاه باید والسلام
- 2) تن به دود چراغ و بی‌خوابی / نهاده‌ی هنر کجا یابی
- 3) حال دل‌سوخته‌ی عشق کسی می‌داند / که به دل داغ تو را در عوض مرهم زد
- 4) مگر نشیندی از گیتی شناسان / که باشد بر نظاره جنگ آسان

(سراسری زبان - 93)

20. بیت «کز نیستان تا مرا بیریده‌اند / از نفیرم مرد و زن نالیده‌اند»، با کدام بیت ارتباط مفهومی دارد؟

- 1) نظر ز چاره‌ی بیمار خود مپوش خدا را / کجا بریم دلی را که کرده‌ای تو چنینش
- 2) گشاده چهره بیا در حضور خازن جنت / که بر کسی نگشاید در بهشت برینش
- 3) مریض عشق تو را جان به لب رسیده و ترسم / که بر رخ تو نیفتد نگاه باز پسینش
- 4) خدنگ عشق به هر قلب خسته‌ای که نشسته / نهاد سنگ بنالد ز ناله‌های حزینش



مناجات، نیایش

پرسش‌های چهارگزینه‌ای

21. مفهوم کدام مصراع، متفاوت است؟

- 1) ملکا ذکر تو گویم که تو پاک‌ی و خدایی
- 2) همه توحید تو گویم که به توحید سزایی
- 3) همه عزّی و جلالی همه علمی و یقینی
- 4) همه درگاه تو جویم همه از فضل تو پویم

22. مفهوم «ظلم‌ستیزی» در کدام عبارت دیده می‌شود؟

- (1) پروردگارا، از حمیت‌های جاهلانه و عصبیت‌های ناهنجار که به حریم اجتماع پای تعدی و تجاوز بگذارد، به ذات اقدس تو پناه می‌برم.
 (2) پروردگارا، روا مدار که گردن استکبار و افتخار بفرایم و به کیفر این خودبینی و خودپرستی از ادراک فضایل و مکارم فرومانم.
 (3) پروردگارا، مگذار که صولت خشم، حصار بردباری مرا درهم بشکند و حمله‌ی حسد، مناعت فطرت مرا به خفت و مذلت فرو کشاند.
 (4) پروردگارا، به تو پناه می‌برم از این که مظلومی را در چنگال ستم‌کاران وا بگذارم.
- 23. بیت «لب و دندان سنایی همه توحید تو گوید / مگر از آتش دوزخ بودش روی رهایی» با کدام بیت قرابت معنایی نزدیک‌تری دارد؟**
- (1) سینه کز عشق تو بر وی نیست داغ / ز آتش دوزخ مباد او را فراغ
 (2) پیش توحید او نه کهنه نه نوست / همه هیچ‌اند هیچ، اوست که اوست
 (3) مشرب توحید یاران خوش بود / رند مست و ذوق مستان خوش بود
 (4) خود نه زبان در دهان عارف مدهوش / حمد و ثنا می‌کند که موی بر اعضا
- 24. مفهوم آیه‌ی «تَعَزُّ مَنْ تَشَاءُ وَ تَذَلُّ مَنْ تَشَاءُ» در کدام مصراع آمده است؟**
- (1) همه عزّی و جلالی همه علمی و یقینی
 (2) همه بیشی تو بکاهی، همه کمّی تو فزایی
 (3) همه نوری و سروری همه جودی و جزایی
 (4) همه غیبی تو بدانی، همه عیبی تو ببوشی
- 25. مصراع «نروم جز به همان ره که توام راه نمایی» با کدام عبارت، ارتباط معنایی نزدیک‌تری دارد؟**
- (1) پروردگارا به تو پناه می‌برم از این که راه جویان را هم چون خویشتن در تیه گمراهی و ضلالت سرگردان سازم.
 (2) پروردگارا، روا مدار که در ظلمات جهل و ضلال از چراغ هدایت به دور افتم و بیغوله را از شاهراه باز نشانم.
 (3) پروردگارا، روا مدار که به خاطر هوس خویش، پای بطلان بر عنوان حق گذارم و باطل را بر حق برگزینم.
 (4) پروردگارا از حمیت‌های جاهلانه که به حریم اجتماع پای تعدی و تجاوز بگذارد، به ذات اقدس تو پناه می‌برم.
- 26. معنی «همه از فضل تو پویم» کدام است؟**
- (1) تنها از فضل و دانش تو بهره‌مند می‌شوم.
 (2) تنها در پی معنویت و کمالات تو هستم.
 (3) به سبب لطف و کرم تو، در پویه و تلاشم.
 (4) تنها در جست‌جوی ارتباط با تو هستم.
- 27. بیت «نتوان وصف تو گفتن که تو در فهم نگنجی / نتوان شبه تو گفتن که تو در وهم نیایی» با کدام بیت ارتباط معنایی دارد؟**
- (1) اول دفتر به نام ایزد دانا / صانع پروردگار حیّ توانا
 (2) اکبر و اعظم خدای عالم و آدم / صورت خوب آفرید و سیرت زیبا
 (3) از همگان بی نیاز و بر همه مشفق / از همه عالم نهان و بر همه پیداد
 (4) پرتو نور سраداقات جلالش / از عظمت ماورای فکرت دانا
- 28. بیت «نتوان وصف تو گفتن که تو در فهم نگنجی / نتوان شبه تو گفتن که تو در وهم نیایی» با کدام بیت تناسب معنایی ندارد؟**
- (1) هر چه آن موصوف شد آن کی بود / با منت این گفتن آسان کی بود
 (2) نی اشارت می‌پذیرد و نی نشان / نی کسی زو علم دارد نی نشان
 (3) عقل و جان و دین و دل درباختیم / تا کمال ذرّه‌ای بشناختیم
 (4) قسم خلق از وی خیالی بیش نیست / زو خیردادن مجالی بیش نیست
- 29. بیت «همه غیبی تو بدانی، همه عیبی تو ببوشی / همه بیشی تو بکاهی همه کمّی تو فزایی» با کدام گزینه تناسب مفهومی ندارد؟**
- (1) هُوَ الرَّزَاقُ
 (2) تَعَزُّ مَنْ تَشَاءُ
 (3) عَلَّامُ الْغُیُوبِ
 (4) سَتَّارُ الْعُیُوبِ
- 30. مفهوم کدام بیت با بیت‌های دیگر متفاوت است؟**
- (1) حسنت به ازل نظر چو در کارم کرد / بنمود جمال و عاشق زارم کرد
 (2) جز دمدمی عشق تو در گوش نماند / جان را ز حلاوت ازل هوش نماند
 (3) گر چه تو را از ازل، حسن خداداد بود / عشق که بود این که داد، حسن تو را این رواج
 (4) نیست امروزی به ما پیوند درد و داغ عشق / از ازل صائب دل ما آشنای دردهاست
- 31. به مضمون آیه‌ی «تَعَزُّ مَنْ تَشَاءُ وَ تَذَلُّ مَنْ تَشَاءُ» در کدام بیت اشاره نشده است؟**

32. (1) کلاه سعادت یکی بر سرش / گلیم شقاوت یکی در برش (2) ادیم (سفره) زمین سفره‌ی عام اوست / بر این خوان یغما چه دشمن چه دوست (3) یکی را به سر بر نهد تاج بخت / یکی را به خاک اندر آرد ز تخت (4) گلستان کند آتشی بر خلیل / گروهی بر آتش برد ز آب نیل
- مفهوم کدام بیت با توجه به آیه‌ی «تعزّ من تشاء و تذلل من تشاء» متفاوت است؟** (سراسری ریاضی-90)
- (1) یکی را همی تاج شاهی دهد / یکی را به دریا به ماهی دهد (2) یکی را که در بند بینی مخند / مبادا که روزی درافتی به بند (3) یکی را ز ماهی رساند به ماه / یکی را ز مه اندر آرد به چاه (4) یکی را دهد تاج و تخت بلند / یکی را کند خوار و زار و نژند
33. **مضمون همه‌ی ابیات به‌استثنای بیت ...، با یک‌دیگر تناسب دارد.** (سراسری انسانی-91)
- (1) دانی که خبر ز عشق دارد؟ / آن کز همه عالمش خبر نیست (2) در ازل بست دلم با سر زلفت پیوند / تا ابد سر نکشد وز سر پیمان نرود (3) عشق من بر گل رخسار تو امروزی نیست / دیرگاهی است که من بلبل این بستانم (4) پیش از آب و گل من در دل من مهر تو بود / با خود آوردم از آن‌جا نه به خود بر بستم
34. **بیت: «حسنّت به ازل نظر چو در کارم کرد / بنمود جمال و عاشق زارم کرد» با کدام بیت قرابت مفهومی ندارد؟** (سراسری زبان-92)
- (1) کمال حسن تدبیرش چنان آراست عالم را / که تا دور ابد باقی بر او حسن و ثنا آمد (2) لطف نهران به جلوه آر تا برود دلم ز کار / حسن چو جلوه می‌کند عشق زیاد می‌شود (3) چه فتنه بود که حسن تو در جهان انداخت / که یک دم از تو نظر بر نمی‌توان انداخت (4) تا رقم حسن تو زد آسمان / نامزد عشق تو آمد جهان

فصل دوم : ادبیات حماسی



درآمدی بر ادبیات حماسی، کاوه دادخواه

پرسش‌های چهارگزینه‌ای

35. **کدام عبارت نادرست است؟**
- (1) در همه‌ی حماسه‌ها، موجودات و آفریده‌های غیر طبیعی، در ضمن حوادثی که شاعر تصویر می‌کند، ظهور می‌یابند. (2) دو عامل وزن و آهنگ که اجزای جدایی‌ناپذیر منظومه‌های حماسی هستند، تنها در شعر یافت می‌شوند. (3) زمینه‌ی ملی حماسه واقعیاتی است که ویژگی‌های اخلاقی نظام اجتماعی، زندگی سیاسی و عقاید آن جامعه را در مسائل فکری و مذهبی در بر می‌گیرد. (4) بیش‌ترین بخش حماسه را زمینه‌ی داستانی حماسه و اشخاص و حوادث تشکیل می‌دهند.
36. **دلیل اصلی گرد آمدن مردم بر کاوه و فریدون، عبارت است از:**
- (1) به جان آمدن مردم از خودکامگی و جورپیشگی ضحاک (2) شکایت صریح و آشکار کاوه از ستم‌ها و پادشاهی ضحاک (3) نقش بر آب شدن تدبیرها و چاره‌گری‌های فرعون‌مآبانه (4) اعتراض به تأیید و گواهی بزرگان مبنی بر نیک خواهی و نیکوکاری ضحاک
37. **کدام مصراع، به طور صریح بر شروع جنبش همگانی مردم دلالت دارد؟**
- (1) جهان را سراسر سوی داد خواند (2) پدید آمد آوای دشمن ز دوست (3) ز نیرنگ ضحاک بیرون شدند (4) همان‌گه ز بازار برخاست گرد
38. **«ازی دهاک» در داستان‌های ایرانی، مظهر چیست؟**
- (1) خوی شیطانی و زشتی و بدی (2) دیوزاد و ماهی‌آسیب آدمیان و فتنه و فساد (3) خودبینی و ناسپاسی نسبت به یزدان (4) سرنوشت شوم و بدترین صورت جورپیشگی
39. **مفهوم دقیق مصراع «چو خسرو شدی، بندگی را بکوش» در کدام گزینه آمده است؟**
- (1) هر که او غنی‌تر است، محتاج‌تر است. (2) تعبّد، ز فرمانروایان نکوست. (3) به رسم بندگی بپذیر خسرو را (4) باش در بندگی قائم تا روز قیام
40. **با توجه به درس کاوه‌ی آهنگر، کدام گزینه نادرست است؟**

- (1) ابلیس با موافقت ضحاک، پدرش، مرداس را که مردی پاک دین بود، از پا در می‌آورد تا ضحاک به پادشاهی برسد.
 (2) جمشید در ابتدای فرمانروایی، برخی از فنون و پیشه‌ها را به جهانیان آموخت ولی در نهایت به خاطر خودبینی و ناسپاسی به یزدان، کیفر سختی دید.
 (3) ضحاک برای رهایی از نابودی تاج و تخت به هندوستان رفت تا با شستن سر و تن خود در آبرنِ خون، سرنوشت شوم را از خویش دور کند.
 (4) حضور کاوه در داستان ضحاک، بلند مدّت و نظیر فروش صاعقه است که با وجود طولانی بودن، در نهایت خرمن ظلم و تباهی را سوزانده است.

41. کدام عبارات، در مورد «درفش کاوه» صادق هستند؟

- (الف) بیانگر صحنه‌ی با شکوه و عبرت‌آموز نبرد بر ضدّ باطل و تصویر قیام عمومی است.
 (ب) مظهر ملّت دادخواه است و بر سر‌آورده‌ی فریدون پرده می‌افکند.
 (پ) تصویر فردوسی از شهامت و مردانگی کاوه است که به شعر فارسی، فروغی خاص بخشیده است.
 (ت) مظهر اراده و نیروی مردم است که فرمانروایی نو را به قدرت می‌رساند.
- (1) ب و ت (2) الف و ت (3) ب و پ (4) الف و پ

42. خواب دیدن ضحاک نمودار چیست؟

- (1) مظهر بدترین صورت جورپیشگی و استبداد
 (2) تجسّم خواهی اهریمنی و منش خبیث او
 (3) درون آشفته و خاطر ترسان و بی‌آرام او
 (4) نمودار کینه‌خواهی و انتقام‌جویی او

43. حماسه‌های ایرانی بر چه ارزش‌هایی مبتنی هستند؟

- (1) بزرگ‌داشت خصایل نیک و پسندیده
 (2) ستایش فضیلت‌های اخلاقی
 (3) سرگرم کردن خوانندگان و شنوندگان
 (4) ستایش دادپیشگی و تأکید بر دادگری

44. کدام مفهوم از «و من ظلم عباد الله کان الله خصمه دون عبادِه» دریافت نمی‌شود؟

- (1) دشمنی خداوند با ستمگران
 (2) ستم دیدن بندگان از ظالمان
 (3) دشمنی بندگان با ستمگران
 (4) نابودی ظالمان و پایداری مظلومان

45. بیت «به جمشید بر، تیره‌گون گشت روز / همی کاست زو فر گیتی‌فروز» با کدام بیت تناسب مفهومی دارد؟

- (1) چه خوش گفت جمشید با تاج و گنج / که یک جو نیرزد سرای سپنج
 (2) جام جمشید کزو کار جهان است عیان / یک سفال کهن از صحبت درویشان است
 (3) تو دیدی که جمشید را تاج و تخت / به یغما شد آن دم که برگشت بخت
 (4) سرود مجلس جمشید گفته‌اند این بود / که جام باده بیاور که جم نخواهد ماند

46. معنی و مفهوم بیت «شده بر بدی دست دیوان دراز / ز نیکی نبودی سخن جز به راز» کدام است؟

- (1) ستمگران، ظلم و ستم را جایز می‌دانستند و امکان نیکی کردن به دیگران از میان رفته بود.
 (2) حاکمان ستمگر نیکی‌ها را از بین برده بودند و مردم دیگر از خوبی‌ها سخن نمی‌گفتند.
 (3) ستمگران ظلم و ستم زیادی می‌کردند و مردم تنها به طور پوشیده و پنهانی می‌توانستند از نیکی‌ها سخن بگویند.
 (4) حاکمان ظالم و اشخاص فرومایه، ظلم را پیشه کرده بودند و مردم در راز و نهان در پی نیکی کردن به دیگران بودند.

47. بیت «نهان گشت آیین فرزانتگان / پراکنده شد نام دیوانگان» با کدام بیت تناسب مفهومی ندارد؟

- (1) جاهل آسوده، فاضل اندر رنج / فضل مجهول و جهل معتبر است (2) اگر این است فضل اهل هنر / خُنکا آن کسی که بی هنر است
 (3) سفله مستغنی و سخی محتاج / این تغابن ز بخشش قدر است (4) اهل تمیز خوار و حقیرند نزد خلق / جاهل به نزد خویش به غایت مسلم است

48. مفهوم کدام بیت با ابیات دیگر متفاوت است؟

- (1) هم آن‌گه یکایک ز درگاه شاه / برآمد خروشیدن دادخواه (2) بدو گفت مهتر به روی دژم / که برگوی تا از که دیدی ستم
 (3) خروشید و زد دست بر سر ز شاه / که شاهها، منم کاوه‌ی دادخواه (4) شماریت با من ببايد گرفت / بدان تا جهان مانند اندر شگفت

49. عبارت «هر که دست از جان بشوید، هر چه در دل دارد بگوید» بیان‌کننده‌ی حالت چیست؟

- (1) فریدون (2) آبتین (3) مرداس (4) کاوه

50. همه‌ی ابیات به‌جز گزینهِی بر شجاعت عملی کاوه در برابر استبداد دلالت دارند.

- 1) ستم دیده را پیش او خواندند / بر نامدارانش بنشانند
 2) خروشید کای پای مردان دیو / بریده دل از ترس گیهان خدیو
 3) نباشم بدین محضر اندر گوا / نه هرگز براندیشم از پادشا
 4) خروشید و بر جست لرزان ز جای / بدرید و بسپرد محضر به پای
- 51.** همه‌ی ابیات به‌جز بیت با ابیات زیر قرابت معنایی دارد.
 «جهل و بی‌باکی شده فاش و حلال / دانش و آزادگی گشته حرام
 واژگونه کرده عالم پوستین / رادمردان بندگان را گشته رام»
 1) نهان گشت آیین فرزندگان / پراکنده شد نام دیوانگان
 2) هنر خوار شد جادویی ارج‌مند / نهان راستی آشکارا گزند
 3) به یزدان هر آن کس که شد ناسپاس / به دلش اندر آید ز هر سو هراس
 4) شده بر بدی دست دیوان دراز / ز نیکی نبودی سخن جز به راز
- 52.** بیت زیر بیانگر فرجام کار به دست است.
 «به آرزوش سراسر به دو نیم کرد / جهان را از او پاک بی‌بیم کرد»
 1) فریدون - ضحاک
 2) ضحاک - فریدون
 3) ضحاک - کاوه
 4) جمشید - ضحاک
- 53.** همه‌ی ابیات به‌استثنای بیت پاسخ مثبت مردم به دعوت کاوه تحت عنوان بیت:
 «پویید کاین مهتر آهرمن است / جهان آفرین را به دل دشمن است» می‌باشد.
 1) چو کاوه برون آمد از پیش شاه / بر او انجمن گشت بازارگاه
 2) سوی لشکر آفریدون شدند / ز نیرنگ ضحاک بیرون شدند
 3) هم آن‌گه یکایک ز درگاه شاه / برآمد خروشیدن دادخواه
 4) همی رفت پیش اندرون مرد گرد / سپاهی بر او انجمن شد نه خرد
- 54.** کدام بیت بیانگر فضای حکومتی ضحاک می‌باشد؟
 1) ز فکر تفرقه باز آی تا شوی مجموع / به حکم آن که چو شد اهرمن، سروش آمد
 2) رند عالم سوز را با مصلحت‌بینی چه کار؟ / کار ملک است آن که تدبیر و تأمل بایش
 3) خلوت دل نیست جای صحبت اضداد / دیو چو بیرون رود فرشته درآید
 4) پری نهفته رخ و دیو در کرشمه‌ی حسن / بسوخت دیده ز حیرت که این چه بوالعجبی (تعجب‌آور) است
- 55.** در ابیات زیر به‌ترتیب چه کسانی معرفی شده‌اند؟
 منم پور آن نیک‌بخت آبتین / که ضحاک بگرفت از ایران زمین
 یکی بی‌زیان مرد آهن‌گرم / ز شاه آتش آید همی بر سرم
 منی کرد آن شاه یزدان‌شناس / ز یزدان پیچید و شد ناسپاس
 1) سیاوش - کاوه - ضحاک
 2) فرود - زواره - ضحاک
 3) فریدون - کاوه - جمشید
 4) فریدون - فرود - جمشید
- 56.** در همه‌ی ابیات به‌جز بیت ... به زمینه‌ی ملی حماسه، اشاره شده است.
 1) همی به آسمان شد به پرّ عقاب / به زاری به ساری فتاد اندر آب
 2) به جمشید بر گوهر افشانند / مر آن روز را روز نو خواندند
 3) چو دید آن درفشان درفش مرا / به گوش آمدش بانگ رخس مرا
 4) به ایوان خرامید و بنشست شاد / کلاه کیانی به سر بر نهاد
- 57.** مضمون همه‌ی ابیات، به‌استثنای بیت ... با یک‌دیگر تناسب دارند.
 1) آسمان کشتی ارباب هنر می‌شکند / تکیه آن به که بر این بحر معلق نکنیم
 2) بگیرد از تو فلک داده‌های خود به لجاج / چو کودکان که متاعی دهند و پس گیرند
 3) فلک به مردم نادان دهد زمام مراد / تو اهل فضلی و دانش همین گناهت بس
 4) دفتر دانش ما جمله بشوید به می / که فلک دیدم و در قصد دل دانا بود
- 58.** مفهوم ابیات دوگانه، در کدام گزینه یک‌سان نمی‌باشد؟
 (سراسری زبان-89)
 (سراسری هنر-89)
 (سراسری انسانی-89)
 (سراسری ریاضی-89)
 (سراسری فارغ از کشور با تغییر-89)
 (سراسری تجربی-91)
 (سراسری فارغ از کشور-91)
 (سراسری تجربی-92)

- 1) از تو نپرسند درازی شب / آن کس داند که نخفته است دوش
محرم این هوش جز بی‌هوش نیست / مر زبان را مشتری جز گوش نیست
- 2) حلقه‌ی دام گرفتاری دهن واگردن است / ماهی لب بسته را قلاب نتواند گرفت
زبان درکش ای مرد بسیار دان / که فردا قلم نیست بر بی‌زبان
- 3) شد جنگ و ظفر آمد، شد زهر و شکر آمد / شد سنگ و گهر آمد، شد قفل و کلید آمد
هنر خوار شد جادویی ارج‌مند / نهان راستی، آشکارا گزند
- 4) گر کشد مهر رخت بر دل من تیغ رواست / هر بدی کز طرف دوست رسد جمله نکوست
جام از دست دوست بود زهر و می یکی است / آن‌جا که وصل اوست چه محراب و چه کنشت [بتخانه]

فصل سوم : ادبیات غنایی



دریای کرانه ناپدید، من این همه ...

پرسش‌های چهارگزینه‌ای

59.

مفهوم کدام بیت متفاوت است؟

- 1) لطافت تو چنان در خیال ما بنشست / که تا به حشر نخواهد دل از کمند تو رست
- 2) عجب است اگر توانم که سفر کنم ز کویت / به کجا رود کبوتر که اسیر باز باشد
- 3) عشق او باز اندر آوردم به بند / کوشش بسیار نامد سودمند
- 4) کمند همّت ما نیست نارسا چون موج / محیط عشق تو را بی‌کنار ساخته‌اند

60.

کدام مصراع ضرب‌المثل است؟

- 1) زشت باید دید و انگارید خوب
- 2) عشق، دریایی کرانه ناپدید
- 3) زهر باید خورد و انگارید قند
- 4) کز کشیدن تنگ‌تر گردد کمند

61.

تقابل عقل و عشق، در کدام بیت مشهود است؟

- 1) عشق او باز اندر آوردم به بند / کوشش بسیار نامد سودمند
- 2) عشق دریایی کرانه ناپدید / کی توان کردن شنا ای هوشمند
- 3) عشق را خواهی که تا پایان بری / بس که بپسندید باید ناپسند
- 4) زشت باید دید و انگارید خوب / زهر باید خورد و انگارید قند

62.

مفهوم کدام گزینه، نادرست بیان شده است؟

- 1) عشق، دریایی کرانه ناپدید (پاک و بی‌آلایش بودن دریای عشق)
- 2) عشق او باز اندر آوردم به بند (اسیر و گرفتار عشق معشوق شدن)
- 3) کز کشیدن تنگ‌تر گردد کمند (عدم امکان رهایی از دام عشق)
- 4) توسنی کردم ندانستم همی (سرکشی عاشق در برابر معشوق)

63.

معنی کدام عبارت، نادرست بیان شده است؟

- 1) از غیرت ارادت خود، قصد رجم آن مرد کرد: از شدت دل‌بستگی قصد سنگ زدن به آن مرد را کرد.
- 2) درزه‌هایی بیرون گرفت و پیش وی افکند: بسته‌ها را بیرون آورد و به مرید نشان داد.
- 3) من تو را چیزی آموزم که از این محن باز رهی: به تو چیزی یاد می‌دهم که هرگز دچار رنج و محنت نشوی.
- 4) یکی آواز داد که «این پیر زندیق آمد»: یک نفر فریاد کشید که این شیخ بی دین پیدا شد.

(سراسری ریاضی - 87)

64. بیت «عشق او باز اندر آوردم به بند / کوشش بسیار نامد سودمند» با همتی بیت‌ها، به جز بیت ارتباط معنایی دارد.

- 1) دل هر که صید کردی نکشد سر از کمندت / نه دگر امید دارد که رها شود ز بندت
- 2) سعدی ز کمند خوب‌رویان / تا جان داری نمی‌توان جست
- 3) عجب است اگر توانم که سفر کنم ز دستت / به کجا رود کبوتر که اسیر باز باشد
- 4) دیر آمدی ای نگار سرمست / زودت ندهیم دامن از دست

(سراسری فارغ از کشور - 88)

65. مفهوم بیت «عشق او باز اندر آوردم به بند / کوشش بسیار نامد سودمند» با کدام بیت تناسب دارد؟

- 1) تا به خوشی می‌وزد باد خوش نوبهار / جام می خوشگوار گر تو دهی خوش‌تر است

- 2) حالت لب تشنه را خضر خبردار نیست / لذت لب تشنگی خاصه‌ی اسکندر است
 3) سرّ غم عشق را در دل اندوهناک / هر چه نهان می‌کنی از همه پیداتر است
 4) هم دل خسرو شکافت هم جگر کوه کن / کز همه زورآوران عشق تواناتر است
- 66.** مفهوم کلی بیت مقابل، با کدام بیت تناسب ندارد؟ «عشق را خواهی که تا پایان بری / بس که بپسندید باید ناپسند» (سراسری ریاضی - 88)
- 1) سفر دراز نباشد به پای طالب دوست / که خار دشت محبت گل است و ریحان است
 2) فریاد من از دست غمت عیب نباشد / کاین درد نیندارم از آن من تنهاست
 3) به دوستی که اگر زهر باشد از دستت / چنان به ذوق ارادت خورم که حلوا را
 4) داروی مشتاق چیست زهر ز دست نگار / مرهم عشاق چیست زخم ز بازوی دوست
- 67.** مفهوم بیت «عشق را خواهی که تا پایان بری / بس که بپسندید باید ناپسند» با همه‌ی ابیات به جز بیت یکسان است. (سراسری هنر - 89)
- 1) آن آلم بر بر کرم‌ها فضل داد / وان جفا را از وفاها برگزید
 2) گرچه جان از وی ندید آلاً جفا / از وفاها بر امید او رمید
 3) خار او از جمله گل‌ها دست برد / قفل او دلکش‌تر است از صد کلید
 4) جور او از دور دولت گوی برد / قندها از زهر قهرش بردمید
- 68.** بیت «در بیابان گر به شوق کعبه خواهی زد قدم / سرزنش‌ها گر کند خار مغیلان غم مخور» با کدام بیت ارتباط معنایی ندارد؟ (سراسری ریاضی - 90)
- 1) مناسب لب لعلت حدیث بایستی / جواب تلخ بدیع است از آن دهان ای دوست
 2) چرا و چون، نرسد بندگان مخلص را / رواست گر همه بد می‌کنی، بکن که نکوست
 3) سفر دراز نباشد به پای طالب دوست / که زنده‌ی ابد است آدمی که کشته‌ی اوست
 4) هر آن چه بر سر آزادگان رود زیباست / علی‌الخصوص که از دست یار زیباخوست
- 69.** در عبارت «آن مرید چون آن سخن شنید، از غیرت ارادت خود، قصد رجم آن مرد کرد.» جمله‌ی دوم، یعنی: (آزاد پزشکی - 90)
- 1) از شدت دل‌بستگی خواست آن مرد بدگو را سنگ زند. (2) از غیرت و توجه زیاد خواست آن مرد را به سنگ زدن وادار کند.
 3) در نهایت علاقه‌مندی آن مرد را به سنگ زدن دعوت کرد. (4) از شدت دل‌بستگی خواست آن مرد را تنبیه کرده باشد.
- 70.** بیت «زشت باید دید و انگارید خوب / زهر باید خورد و انگارید قند» با کدام بیت ارتباط معنایی دارد؟ (سراسری فایز از کشور - 90)
- 1) هر متاعی را در این بازار نرخی بسته‌اند / قند اگر بسیار شد، ما نرخ شکر نشکنیم
 2) زخم خونینم اگر به نشود به باشد / خنک آن زخم که هر لحظه مرا مرهم از اوست
 3) چشم او صائب مرا از عقل و دین بیگانه کرد / دوستی با می‌پرستان زهر قاتل بوده است
 4) تلخ کنی دهان من قند به دیگران دهی / نم ندهی به کشت من آب به این و آن دهی
- 71.** کدام دو بیت با یکدیگر تفاوت معنایی دارند؟ (سراسری تجربی - 90)
- 1) عشق دریایی کرانه ناپدید / کی توان کردن شنا ای هوشمند
 عشق دردانه است و من غواص و دریا میکده / سرفرو بردم من آنجا تا کجا سر بر کنم
 2) به‌هوش بودم از اول که دل به کس نسپارم / شمایل تو بدیدم نه عقل ماند و نه هوشم رفتی و نمی‌شوی فراموش / می‌آیی و می‌روم من از هوش
 3) تو را زکنگره‌ی عرش می‌زنند صغیر / ندانمت که در این دامگه چه افتاده است
 بیک دلی پیرو شیطان مباح / شیر امیری، سگ دربان مباح
 4) خاصان حق همیشه بلیت کشیده‌اند / هم بیشتر عنایت و هم بیشتر عنا (رنج)
 ای آشنای کوی محبت صبور باش / بیداد نیکوان همه بر آشنا رود
- 72.** مفهوم بیت «عشق را خواهی که تا پایان بری / بس که بپسندید باید ناپسند» با همه‌ی ابیات به جز بیت ... تناسب دارد. (سراسری هنر - 91)
- 1) از حلاوت‌ها که دارد جور تو / وز لطافت کس نیابد غور [حقیقت] تو

- (2) ای جفای تو ز دولت خوب تر / و انتقام تو ز جان محبوب تر
 (3) ای بدی که تو کنی در خشم و جنگ / با طرب تر از سماع و بانگ جنگ
 (4) گر فراق بنده از بد بندگی است / چون تو با بد کنی پس فرق چیست

(سراسری مازع از کشور - 91)

73. مفهوم کلی کدام بیت با سایر ابیات متفاوت است؟

- (1) من در اندیشه‌ی آنم که روان بر تو فشام / نه در اندیشه که خود را ز کمندت برهانم
 (2) چون نیست راه برون آمدن ز میدان / ضرورت است چو گوی احتمال چو گانت
 (3) عشقت به دست طوفان خواهد سپرد حافظ / چون برق از این کشاکش پنداشتی که جستی
 (4) گر دست دهد دامن آن سرو روانم / آزاد شود دل ز غم هر دو جهانم

(سراسری هنر - 92)

74. مفهوم کدام بیت با سایر ابیات متفاوت است؟

- (1) زهر ار چنان که دوست دهد نوشدارو است / درد ار چنان که یار فرستد دوی ماست
 (2) گر می کشی رهینم و گر می کشی رهی / هر ناسزا که آن ز تو آید سزای ماست
 (3) ما را به دست خویش بکش کان نوازش است / دشنام اگر ز لفظ تو باشد دعای ماست
 (4) گر ما خطا کنیم عطای تو بی حد است / نومیدی از عطای تو حدّ خطای ماست



مناظره‌ی خسرو با فرهاد

پرسش‌های چهارگزینه‌ای

75. مفهوم کدام گزینه با بقیه متفاوت است؟

- (1) بگفتا دل ز مهرش کی کنی پاک؟ / بگفت آن‌گه که باشم خفته در خاک
 (2) بگفتا دوستیش از طبع بگذار / بگفت از دوستان ناید چنین کار
 (3) بگفت از دل جدا کن عشق شیرین / بگفتا چون زیم بی جان شیرین
 (4) بگفتا جان مده بس دل که با اوست / بگفتا دشمن‌اند این هر دو بی دوست

76. بیت «بگفتا دوری از مه نیست در خور / بگفت آشفته از مه دور بهتر» با کدام گزینه ارتباط معنایی دارد؟

- (1) بگفتا گر نیابی سوی او راه / بگفت از دور شاید دید در ماه
 (2) بگفتا رو صبوری کن در این درد / بگفت از جان صبوری چون توان کرد؟
 (3) بگفت از صبر کردن کس خجل نیست / بگفت این دل تواند کرد، دل نیست
 (4) بگفت از دل شدی عاشق بدین سان / بگفت از دل تو می‌گویی من از جان

77. همهی گزینه‌ها، به جز گزینه‌ی با هم ارتباط معنایی دارند.

- (1) بگفتا گر به سر یابیش خشنود / بگفت از گردن این وام افکنم زود (2) بگفتا گر خرامی در سرایش / بگفت اندازم این سر زیر پایش
 (3) مستی از من پرس و شور عاشقی / وان کجا داند دُرد آشام نیست (4) نقد جان بر سر بازار محبت دادم / تا بدانند که من هم ز خریدارم

78. مفهوم همهی گزینه‌ها به جز گزینه‌ی به هم نزدیک است.

- (1) بگفت آسوده شو کاین کار خام است / بگفت آسودگی بر من حرام است
 (2) ناز پرورد تنعم نبرد راه به دوست / عاشقی شیوه‌ی رندان بلاکش باشد
 (3) به شادی و آسایش و خواب و خور / ندارند کاری دلاکارها
 (4) آن کشیدم ز تو، ای آتش هجران که چو شمع / جز فنای خودم از دست تو تدبیر نبود

79. بیت «بگفت از عشق کارت سخت زار است / بگفت از عاشقی خوش تر چه کار است؟» با کدام بیت ارتباط مفهومی ندارد؟

- (1) مرا کز عشق به ناید شماری / مبدا تا زیم جز عشق کاری
 (2) فلک جز عشق محرابی ندارد / جهان بی آب عشق، آبی ندارد

3) ز عشق آفاق را پرودود کردم / خرد را دیده خواب آلود کردم (4) غلام عشق شو کاندیشه این است / همه صاحب دلان را پیشه این است

80. بیت «بگفت از دل شدی عاشق بدین سان / بگفت از دل تو می گویی، من از جان» با کدام بیت ارتباط مفهومی دارد؟

1) طبایع جز کشش کاری ندانند / حکیمان این کشش را عشق خوانند(2) گر اندیشه کنی از راه بینش / به عشق است ایستاده آفرینش

3) چو من بی عشق خود را جان ندیدم / دلی بفروختم، جانی خریدم (4) گر از عشق آسمان آزاد بودی / کجا هرگز زمین آباد بودی

81. کدام دو بیت در گزینه‌های زیر، قرابت معنایی بیش‌تری دارند؟

الف) دلم را می‌بری، اندیشه‌ای نیست / بپر کز بیدلی به پیشه‌ای نیست

ب) منم آن سایه کز بالا و از زیر / ز پایت سر نگردانم به شمشیر

ج) تمنای من از عمر و جوانی / وصال توست وان‌گه زندگانی

د) بگفت از عشق کارت سخت زار است / بگفت از عاشقی خوش‌تر چه کار است؟

1) الف، ب 2) ب، ج 3) الف، ج 4) الف، د

82. همه‌ی گزینه‌ها به جز گزینه‌ی با هم تناسب دارند.

1) بگفتا دوری از مه نیست درخور / بگفت آشفته از مه دور، بهتر

2) بگفتا گر نیایی سوی او راه / بگفت از دور شاید دید در ماه

3) همان بهتر که شب تا شب در این چاه / به قرصی جو گشایم روزه چون ماه

4) چو دیوانه ز ماه نو برآشفتم / در آن مستی و آن آشفتگی خفت

83. بیت «بگفتا جان‌فروشی در ادب نیست / بگفت از عشق‌بازان این عجب نیست» با کدام گزینه قرابت معنایی دارد؟

1) گر چه دوریم به یاد تو قدح می‌گیریم / بعد منزل نبود در سفر روحانی

2) ماه اگر بی تو برآید به دو نیمش بزنند / دولت احمدی و معجزه‌ی سبحانی

3) سر عاشق که نه خاک در معشوق بود / کی خلاصش بود از محنت سرگردانی

4) ای نسیم سحری خاک در یار بیار / که کند حافظ از او دیده‌ی دل نورانی

84. بیت «بگفتا دل ز مهرش کی کنی پاک؟ / بگفت آن‌گه که باشم خفته در خاک» با کدام بیت ارتباط معنایی دارد؟

1) دست از طلب ندارم تا کام من برآید / یا تن رسد به جانان یا جان ز تن برآید

2) بگشای تربتم را بعد از وفات و بنگر / کز آتش درونم، دود از کفن برآید

3) بنمای رخ که خلقی واله شوند و حیران / بگشای لب که فریاد از مرد و زن برآید

4) از حسرت دهانش آمد به تنگ جانم / خود کام تنگ‌دستان کی زان دهن برآید؟

85. بیت «بگفت آسوده شو کاین کار خام است / بگفت آسودگی بر من حرام است» با کدام بیت ارتباط معنایی ندارد؟

1) ناز پرورد تنعم نبرد راه به دوست / عاشقی شیوه‌ی رندان بلاکش باشد

2) همه شب ز غم نخسیم که نخسید آن چه عاشق / منم آن کسی که بیداری من به خواب ماند

3) در ره عشق از آن سوی فنا صد خطر است / تا نگوئی که چو عمرم به سر آمد رستم

4) هر چند غرق بحر گناهم ز صد جهت / تا آشنای عشق شدم ز اهل رحمت

86. بیت «گر نثار قدم یار گرامی نکنم / گوهر جان به چه کار دگرم باز آید؟» با کدام گزینه ارتباط معنایی ندارد؟

1) بگفتا گر خرامی در سرایش / بگفت اندازم این سر زیر پایش

2) سر که نه در پای عزیزان بود / بار گرانی است کشیدن به دوش

3) بگفتا گر به سر یابیش خشنود / بگفت از گردن این وام افکنم زود

4) بگفتا گر کسبش آرد فرا چنگ / بگفت آهن خورد و خود بود سنگ

87. بیت «بگفتا جان مده بس دل که با اوست / بگفتا دشمن‌اند این هر دو بی دوست» با کدام بیت ارتباط معنایی دارد؟

1) اگر آن طایر قدسی ز درم باز آید / عمر بگذشته به پیرانه سرم باز آید

- 2) گر نثار قدم یار گرامی نکنم / گوهر جان به چه کار دگرم باز آید
 3) آن که تاج سر من خاک کف پایش بود / از خدا می‌طلبم تا به سرم باز آید
 4) دارم امید بر این اشک چو باران که دگر / برق دولت که برفت از نظرم باز آید
- 88. بیت «ناز پرورد تنعم نبرد راه به دوست / عاشقی شیوهی رندان بلاکش باشد» با کدام گزینه تناسب معنایی ندارد؟**
- 1) کوتاه همتان همه راحت طلب کنند / عارف، بلا که راحت او در بلای اوست
 2) بگفت آسوده شو کاین کار خام است / بگفت آسودگی بر من حرام است
 3) اهل کام و ناز را در کوی رندی راه نیست / رهروی باید جهان سوزی نه خامی بی غمی
 4) عاشقان را بر سر خود حکم نیست / هر چه فرمان تو باشد، آن کنند
- 89. بیت «بگفتا گر به سر یابیش خشنود؟ / بگفت از گردن این وام افکنم زود» با کدام بیت ارتباط مفهومی ندارد؟**
- 1) نقد جان بر سر بازار محبت دادم / تا بدانند که من هم ز خریدارانم
 2) سر بسی بار گران بود ز دوش افکندم / حالیا قافله‌سالار سبک بارانم
 3) خیره چه سر اندازم بر خاک سر کویت / گر بوسه زخم پایت سر بر نکنی، دانم
 4) عهد کردیم که جان در سر کار تو کنیم / و گر این عهد به پایان نبرم نامردم
- 90. بیت «بگفتا رو صبوری کن در این درد/ بگفت از جان صبوری چون توان کرد؟» با کدام بیت تناسب مفهومی ندارد؟**
- 1) سوخته‌ی دل بود از صبر دور/ آتش سوزنده نباشد صبور
 2) مهری و وفایی که تو را نیست مرا هست/ صبری و قراری که تو را هست مرا نیست
 3) صبر کردن جان تسیحات توست/ صبر کن کان است تسییح درست
 4) مستی و عاشقیم بُرد ز دست/ صبر ناید ز هیچ عاشق مست
- 91. بیت «بگفتا گر نیابی سوی او راه / بگفت از دور شاید دید در ماه» با همهی ابیات به جز بیت تناسب دارد.**
- 1) گر چه در چشم تو مقدار ندارم لیکن / اینقدر هست که درویش سر کوی توام
 2) گر بر ندارم از سر زلف تو دست شوق / عیبم مکن که تازه به دولت رسیده‌ام
 3) گر نشاید به دوست ره بردن / شرط یاری است در طلب مردن
 4) گر دست رسد که آستینش گیرم / و نه بروم بر آستانش میرم
- 92. بیت: «بگفتا گر به سر یابیش خشنود/ بگفت از گردن این وام افکنم زود» با کدام بیت ارتباط مفهومی دارد؟**
- 1) گر قلب دلم را نهند دوست عیاری / من نقد روان در دمش از دیده شمارم
 2) پروانه‌ی او گر رسدم در طلب جان / چون شمع همان دم به دمی جان بسیارم
 3) حافظ لب لعلش چو مرا جان عزیز است / عمری بود آن لحظه که جان را به لب آرام
 4) امروز مکش سر ز وفای من و اندیش / زان شب که من از غم به دعا دست برآرم
- 93. مفهوم کدام بیت با سایر ابیات یک‌سان نیست؟**
- 1) گر دوست بنده را بکشد یا پرورد / تسلیم از آن بنده و فرمان از آن دوست
 2) مرا رضای تو باید نه زندگانی خویش / اگر مراد تو قتل است وارهان ای دوست
 3) چنان به دام تو الفت گرفت مرغ دلم / که یاد می‌نکند عهد آشیان ای دوست
 4) گر کام دوست، کشتن سعدی است باک نیست / اینم حیات بس که بمیرم به کام دوست
- 94. بیت «بگفتا رو صبوری کن در این درد / بگفت از جان صبوری چون توان کرد؟» با کدام بیت تناسب مفهومی ندارد؟**
- 1) از من اکنون طمع صبر و دل و هوش مدار / کان تحمل که تو دیدی همه بر باد آمد
 2) اگر چه صبر من از روی دوست ممکن نیست / همی کنم به ضرورت، چو صبر ماهی از آب
 3) گفתי صبور باش به سودای عشق من / وقتی که صبرم از دل شیدا گرفته‌ای
 4) هر نصیحت که کنی بشنوم ای یار عزیز / صبرم از دوست مفرمای که من نتوانم
- 95. کدام گزینه مفهوم دقیق‌تر مصراع دوم بیت زیر را بیان می‌کند؟**
- (سراسری فارغ از کشور- 87)
- (سراسری فارغ از کشور- 89)
- (سراسری زبان- 89)
- (سراسری زبان- 90)
- (سراسری زبان- 90)
- (سراسری تمبری- 90)
- (آزاد پزنتگی با تغییر- 90)

«بگفتا رو صبوری کن در این درد/ بگفت از جان صبوری چون توان کرد»

- 1) بدون جان نمی‌توان زنده ماند
- 2) بدون عشق چگونه می‌توان صبر کرد؟
- 3) بدون معشوق چگونه می‌توانم شکیبایی کنم؟
- 4) بدون یار نمی‌توان به حیات خود ادامه داد.

(سراسری هنر- 91)

96. مفهوم «بگفتا گر بخواهد هر چه داری؟/ بگفت این از خدا خواهم به زاری» با کدام بیت قرابت دارد؟

- 1) شمع حریم عشقم، پروای کشتنم نیست/ بسیار دیده‌ام من در زیر پا سر خویش
- 2) غافلیم از جان بی‌تقصیر در زندان تن/ یوسف مصر از فراموش‌گشتگان چاه ماست
- 3) خاکساری برگ عیش خاطر آگاه ماست/ چون گهر گرد یتیمی خاک بازیگاه ماست
- 4) نیست از گرد خودی در کاروان ما اثر/ هر که پیش افتاده است از خویشتن همراه ماست

(سراسری زبان- 91)

97. همه‌ی ابیات به‌استثنای ... با یک‌دیگر تناسب معنایی دارند.

- 1) تو خوش می‌باش با حافظ برو گو خصم جان می‌ده / چو گرمی از تو می‌بینم چه باک از خصم دم سردم
- 2) بر آنم گر تو باز آیی که در پایت کنم جانی / وزین کم‌تر نشاید کرد در پای تو قربانی
- 3) من چه در پای تو ریزم که پسند تو بود / سر و جان را نتوان گفت که مقداری هست
- 4) من در خور تو چه تحفه آرم / جان است و بهای یک نظر نیست

(سراسری هنر- 92)

98. همه‌ی ابیات دو به دو تناسب مفهومی دارند به جز ابیات گزینه‌ی

- 1) به دریا مرو گفتمت زینهار / اگر می‌روی تن به طوفان سپار
فدایی ندارد ز مقصود چنگ / اگر بر سرش تیر بارند و سنگ
- 2) دلی که عاشق و صابر بود مگر سنگ است / ز عشق تا به صبوری هزار فرسنگ است
صبر است مرا چاره‌ی هجران تو لیکن / چون صبر توان کرد که مقدر نمانده است
- 3) حکایت شب هجران نه آن حکایت حالی است / که شمه‌ای ز بیانش به صد رساله بر آید
حافظ شب هجران شد بوی خوش وصل آمد / شادیت مبارک باد ای عاشق شیدایی
- 4) خراب‌تر ز دل من غم تو جای نداشت / که ساخت در دل تنگم قرارگاه نزول
بکن معامله‌ی او این دل شکسته بخر / که با شکستگی ارزد به صد هزار درست

(سراسری انسانی- 92)

99. مفهوم همه‌ی ابیات به‌استثنای بیت با یک‌دیگر تناسب دارد.

- 1) تنگ چشمان چشم خود بر رزق مهمان می‌نهند / از طمع چون آسیا نان بر سر نان می‌نهند
- 2) تنگ چشمان نظر به میوه کنند / ما تماشا کنان بستانیم
- 3) راست گفت اندر این حدیث آن مرد / آزر را خاک سیر داند کرد
- 4) رودی تنگ به یک نان تهی پر گردد / نعمت روی زمین بر نکند دیده‌ی تنگ

(سراسری فارغ از کشور- 92)

100. مفهوم کدام بیت با دیگر ابیات متفاوت است؟

- 1) به زیر خاک تب هجر و رنج شک به جاست/ کدام درد مرا ای اجل دوا کردی
- 2) آن روز که چون نرگسم از خاک برآرند/ چشمم نگران گل خندان تو باشد
- 3) به خاک حافظ اگر یار بگذرد چون باد/ ز شوق در دل آن تنگنای کفن بدرم
- 4) گر بر سر خاک من گیاهی روید/ از هر برگی بوی وفای تو زند

(سراسری تهرنی- 93)

101. مفهوم بیت «بگفتا گر به سر پایش خشنود؟/ بگفت از گردن این وام افکنم زود»، با کدام بیت تناسب ندارد؟

- 1) بگفت این جفا بر من از دست اوست/ نه شرطی است نالیدن از دست دوست
- 2) بگفتا مبر نام من پیش دوست/ که حیف است نام من آن‌جا که اوست
- 3) بگفت ار خوری زخم جوگان او؟/ بگفتا به پایش در افتم چو گوی
- 4) بگفتا سرت گر ببرد به تیغ؟/ بگفت اینقدر نبود از وی دریغ

(سراسری انسانی- 93)

102. بیت: «بگفتا گر نیابی سوی او راه؟/ بگفت از دور شاید دید در ماه»، با کدام بیت تناسب مفهومی دارد؟

- 1) بر خیز که باد صبح نوروز/ در باغچه می کند گل افشان
- 2) باغبانان به شب از زحمت بلبل چونند/ که در آیام گل از باغچه غوغا نرود
- 3) گر باغبان روزی به ما بندد در گلزارها/ ما را نگاهی بس بود از رخنه‌ی دیوارها
- 4) هر که را باغچه‌ای هست به بستان نرود/ هر که مجموع نشسته است پریشان نرود



اکسیر عشق

پرسش‌های چهارگزینه‌ای

- 103.** بیت «از در درآمدی و من از خود به در شدم / گویی از این جهان به جهان دگر شدم» با کدام بیت ارتباط معنایی دارد؟
- 1) جانا هزاران آفرین بر جانت از سر تا قدم / صانع خدایی کاین وجود آورد بیرون از عدم
 - 2) چو تو آمدی مرا بس که حدیث خویش گفتم / چو تو ایستاده باشی، ادب آن که من بیفتم
 - 3) به خدا که گر بمیرم که دل از تو بر نگیرم / برو ای طیبیم از سر که دوا نمی‌پذیرم
 - 4) نه فراغت نشستن نه شکیب رخت بستن / نه مقام ایستادن نه گریزگاه دارم
- 104.** بیت «پیشم از این، سلامتی بود و دلی و دانشی / عشق تو آتشی بزد، پاک بسوخت خرمنم» با کدام بیت ارتباط معنایی دارد؟
- 1) گفتم بینمش، مگر درد اشتیاق / ساکن شود، بدیدم و مشتاق تر شدم
 - 2) گوشم به راه تا که خبر می‌دهد ز دوست / صاحب‌خبر بیامد و من بی‌خبر شدم
 - 3) دستم نداد قوت رفتن به پیش دوست / چندی به پای رفتم و چندی به سر شدم
 - 4) تا رفتنش بینم و گفتنش بشنوم / از پای تا به سر، همه سمع و بصر شدم
- 105.** مفهوم کدام بیت‌ها به هم نزدیک است؟
- الف) از در درآمدی و من از خود به در شدم / گویی از این جهان به جهان دگر شدم
 ب) چون شبینم اوفتاده بدم پیش آفتاب / مهرم به جان رسید و به عیوق بر شدم
 ج) او را خود التفات نبودی به صید من / من خویشتن اسیر کمند نظر شدم
 د) گوشم به راه تا که خبر می‌دهد ز دوست / صاحب‌خبر بیامد و من بی‌خبر شدم
- 1) الف، ب
 - 2) ب، ج
 - 3) الف، ج
 - 4) الف، د
- 106.** کدام گزینه معنای مقابل بیت «او را خود التفات نبودی به صید من / من خویشتن اسیر کمند نظر شدم» را دارد؟
- 1) ز دستم بر نمی‌خیزد که با دلدار بنشینم / به جز رویت نمی‌خواهم که روی هیچ کس بینم
 - 2) ما خود نمی‌رویم دوان از قفای کس / او می‌برد که ما به کمند وی اندریم
 - 3) من اول روز دانستم که با شیرین درافتادم / که چون فرهاد باید شست دست از جان شیرینم
 - 4) تو هم چون گل ز خندیدن، لب با هم نمی‌آید / روا داری که من بلبل، چو بوتیمار بنشینم
- 107.** بیت «گفتم بینمش مگر درد اشتیاق / ساکن شود، بدیدم و مشتاق تر شدم» با کدام بیت ارتباط معنایی دارد؟
- 1) دانی که چون همی گذرانیم روزگار / روزی که بی تو می‌گذرد، روز محشر است
 - 2) باز آن که در فراق تو چشم امیدوار / چون گوش روزه‌دار بر الله اکبر است
 - 3) گفتیم عشق را به صبوری دوا کنیم / هر روز عشق بیش‌تر و صبر کم‌تر است
 - 4) باز آن و حلقه بر در رندان شوق زن / کاحباب را دو دیده چو مسمار بر در است
- 108.** بیت «بیزارم از وفای تو یک روز و یک زمان / مجموع اگر نشستم و خرسند اگر شدم» با کدام گزینه ارتباط معنایی دارد؟

- 1) چو در چشم شاهد نیاید زرت / زر و خاک یکسان نماید برت 2) به صدقش چنان سر نهی در قدم / که بینی جهان با وجودش عدم
3) دگر با کست بر نیاید نفس / که با او نماند دگر جای کس 4) نه اندیشه از کس که رسوا شوی / نه قوت که از وی شکبیا شوی

109. مفهوم کدام گزینه با بقیه متفاوت است؟

- 1) چون شبنم اوفتاده بدم پیش آفتاب / مهرم به جان رسید و به عیوق بر شدم
2) دست از مس وجود چو مردان ره بشوی / تا کیمیای عشق بیابی و زر شوی
3) گر نور عشق حق به دل و جانم اوفتد / بالله کز آفتاب فلک خوب تر شوی
4) بنیاد هستی تو چو زیر و زبر شود / در دل مدار هیچ که زیر و زبر شوی

110. بیت «من چشم از او چگونه توانم نگاه داشت / کاول نظر به دیدن او دیده‌ور شدم» با کدام بیت ارتباط معنایی دارد؟

- 1) نرگس از چشم تو دم زد بر دهانش زد صبا / درد دندان دارد او آب از سر نی می‌خورد
2) ز دیدنت نتوانم که دیده بر بندم / و گر معاینه بینم که تیر می‌آید
3) کشتی باده بیاور که مرا بی رخ دوست / گشت هر گوشه‌ی چشم از غم دل دریایی
4) نرگس از لاف زد از شیوه‌ی چشم تو مرنج / نروند اهل نظر از پی نابینایی

111. معنای کدام گزینه با بقیه متفاوت است؟

- 1) چون شبنم اوفتاده بدم پیش آفتاب / مهرم به جان رسید و به عیوق بر شدم
2) گویند سنگ لعل شود در مقام صبر / آری شود ولیک به خون جگر شود
3) گویند روی سرخ تو سعدی که زرد کرد / اکسیر عشق بر مسم افتاد و زر شدم
4) از کیمیای مهر تو زر گشت روی من / آری به یمن لطف شما خاک زر شود

112. بیت «تا رفتنش ببینم و گفتنش بشنوم / از پای تا به سر همه سمع و بصر شدم» با کدام بیت ارتباط معنایی دارد؟

(سراسری ریاضی-87)

- 1) به میخانه گهی مستم، ندانم پای از دستم / گهی بر صومعه با جبه و دستار می‌گردم
2) از پای تا به سر همگی دیده‌ها شوید / حسن و جمال دلکش دلدار بنگرید
3) ز اوصاف جمال او کنم تا نکته‌ای روشن / ز سر تا پا زبان باشم ز پا تا سر بیان‌گردم
4) جنون عشق سراپای من گرفت از من / چنان که پای ز سر، سر ز تن نمی‌دانم

113. بیت «گویند روی سرخ تو، سعدی، که زرد کرد؟ / اکسیر عشق بر مسم افتاد و زر شدم»، با کدام بیت، تناسب معنایی دارد؟

(سراسری انسانی-88)

- 1) در مصطبه‌ی عشق تنعم نتوان کرد / چون بالش زر نیست بسازیم به خشتی
2) گویند سنگ لعل شود در مقام صبر / آری شود ولیک به خون جگر شود
3) از کیمیای مهر تو زر گشت روی من / آری به یمن لطف شما خاک زر شود
4) ترک درویش مگیر از نبود سیم و زرش / در غمت سیم شمار اشک و رخس را زر گیر

114. مفهوم کدام بیت با سایر ابیات متفاوت است؟

(سراسری تهربی-89)

- 1) روان تشنه برآساید از وجود فرات / مرا فرات ز سر برگذشت و تشنه‌ترم
2) به خاک پای تو داند که تا سرم نرود / ز سر به در نرود هم‌چنان امید وصال
3) گفتم ببینمش مگر درد اشتیاق / ساکن شود بدیدم و مشتاق تر شدم
4) گفتم مگر به وصل رهایی بود ز عشق / بی‌حاصل است خوردن مستسقی آب را

115. کدام بیت با سایر ابیات تقابل معنایی دارد؟

(سراسری فارغ از کشور-89)

- 1) او را خود التفات نبودی به صید من / من خویشتن اسیر کمند نظر شدم
2) نه به خود می‌رود گرفته‌ی عشق / دیگری می‌برد به قلابش
3) سعدی چو جورش می‌بری، نزدیک او دیگر مرو / ای بی‌بصر من می‌روم؟ او می‌کشد قلاب را
4) من اگر خارم و گر گل چمن‌آرایی هست / که از آن دست که او می‌کشدم می‌رویم

116. مفهوم بیت «بیزارم از وفای تو یک روز و یک زمان / مجموع اگر نشستم و خرسند اگر شدم» با کدام بیت قرابت مفهومی دارد؟

(سراسری زبان با تغییر- 90)

- 1) بر در هر کس نمی‌سایم رخ چون آفتاب / گنج‌سان در گوشه‌ی ویرانه پا افشرده‌ایم
- 2) کوچه‌گرد آستین چون اشک حسرت نیستیم / هم‌چو مزگان بر در یک خانه پا افشرده‌ایم
- 3) زیر سقف چرخ بی‌دردانه پا افشرده‌ایم / سیل بی‌زهار ما در خانه پا افشرده‌ایم
- 4) خال او صاحب هزاران موردل پامال کرد / ما عبث در بردن این دانه پا افشرده‌ایم

(سراسری هنر- 90)

117. مفهوم «گفتم بینمش مگر درد اشتیاق / ساکن شود بدیدم و مشتاق تر شدم» با کدام بیت یک‌سان است؟

- 1) گر دگری را شکیب، هست ز دیدار دوست / من نتوانم گرفت، بر سر آتش قرار
- 2) ما سپر انداختیم، گردن تسلیم پیش / گر بکشی حاکمی، ور بدهی زینهار
- 3) این همه بار احتمال، می‌کنم و می‌روم / اشتر مست از نشاط، گرم رود زیر بار
- 4) سعدی اگر داغ عشق، در تو مؤثر شود / فخر بود بنده را، داغ خداوندگار

(سراسری ریاضی- 91)

118. بیت «بیزارم از وفای تو، یک روز و یک زمان / مجموع اگر نشستم و خرسند اگر شدم» با کدام بیت قرابت مفهومی دارد؟

- 1) اگر دانی که تا هستم نظر جز با تو بیوستم / پس آن‌که بر من مسکین جفا کردن صوابستی
- 2) ز وفا چشم نمی‌دارم چون می‌دانم / که وفاداری در شیوه‌ی خوبان عار است
- 3) دلا بیزار شو از جان اگر جانان همی‌خواهی / که هر کو شمع جان جوید غم جانش نمی‌بینم
- 4) مرا به علت بیگانگی از خویش مران / که دوستان وفادار بهتر از خویش‌اند

(سراسری زبان- 91)

119. مفهوم بیت «او را خود التفات نبودی به صید من / من خویشان اسیر کمند نظر شدم» با کدام بیت متناسب است؟

- 1) تا دل نمی‌برم به کسی دل نمی‌دهم / صیاد من نخست گرفتار من شود
- 2) چشم تو راست کرد به دل تیر غمزه را / شادم که التفات دلیل عنایت است
- 3) گفت خود دادی به ما دل حافظا / ما محصل بر کسی نگماشتیم
- 4) عشق می‌گوید به گوشم پست پست / صید بودن خوش‌تر از صیادی است

(سراسری انسانی- 91)

120. مفهوم بیت «من چشم از او چگونه توانم نگاه داشت / کاوّل نظر به دیدن او دیده‌ور شدم» با کدام بیت متناسب است؟

- 1) تا مرا با نقش رویش آشنایی اوفتاد / هرچه می‌بینم به چشم نقش دیوار آمدست
- 2) تا نپنداری که بعد از چشم خواب‌آلود تو / تا برفتی خوابم اندر چشم بیدار آمدست
- 3) گر تو انکار نظر در آفرینش می‌کنی / من همی‌گویم که چشم از بهر این کار آمدست
- 4) آن پری کز خلق پنهان بود چندین روزگار / باز می‌بینم که در عالم پدیدار آمدست

(سراسری تمبری- 91)

121. بیت «گوشم به راه، تا که خبر می‌دهد ز دوست / صاحب‌خبر بیامد و من بی‌خبر شدم» با کدام بیت تناسب مفهومی دارد؟

- 1) چون من از پای درافتادم و از دست شدم / دارم از لطف تو آن چشم که داری گوشم
- 2) چه دعاها کنمش گر خبری بازآرد / از دل من غم و اندوه فراوان ببرد
- 3) تا ذوق درونم خبری می‌دهد از دوست / از طعنه‌ی دشمن به خدا گر خبرستم
- 4) در خرابات ز اسرار حقیقت صائب / تا خبر یافتیم از بی‌خبرانم کردند

(سراسری ریاضی- 91)

122. مفهوم بیت «چون شبنم اوفتاده بدم پیش آفتاب / مهرم به جان رسید و به عیوق بر شدم» با کدام بیت متناسب است؟

- 1) مستم ولی از روی او غرقم ولی در جوی او / از قند و از گلزار او چون گل شکر پرورده‌ام
- 2) در جام می‌آویختم اندیشه را خون ریختم / با یار خود آمیختم زیرا درون پرده‌ام
- 3) با دلبران و گلرخان چون گلبنان بشکفته‌ام / با منکران دی‌صفت هم‌چون خزان افسرده‌ام
- 4) روزی که عکس روی او بر روی زرد من فتد / ماهی شوم رومی رخی، گر زنگی نوبرده‌ام

(سراسری انسانی- 92)

123. بیت: «گویند روی سرخ تو، سعدی که زرد کرد؟ / اکسیر عشق بر مسم افتاد و زر شدم» با کدام بیت قرابت مفهومی دارد؟

- 1) گرچه سیم و زر ز سنگ آید برون / در همه سنگی نباشد زر و سیم
- 2) گر به آتش بریم صد ره و بیرون آری / زر نابم که همان باشم اگر بگدازم
- 3) زر ز معدن سرخ روی آمد برون / صحبت ناچنس کردش روی زرد
- 4) چه آتش پاره‌ای بودی الا ای کیمیای دل / که از برقی مس آلوده با زنگار زر کردی